

تأثیر شیعیان علوی بر مرثیه "کبت" در میان طبقات ممتاز هندوان

The influence of Alawite Shiites on the threnody of "Kabat" among the
distinguished classes of Hindus

فرزانه اعظم لطفی*

چکیده

حماسه عاشورا الگوی کاملی برای مسلمانان در طول تاریخ بوده است. آن زمان که امام حسین هل من ناصر یئصرنی رافریاد می زند این سوال را از تاریخ فردای بشریت می پرسند. جواب این پرسش را پس از هزاران سال دوستداران اهل بیت در جای جای کره خاکی با معرفت تام با فرهنگ و زبان خاص خود پاسخ می دهند. روزی در جایی که خاندان ابوسفیان دستو رجشن و سرور را در روز عاشورا صادر کردند تا با تحریف حقانیت این واقعه عظیم را متشبه سازند در شمال و جنوب و شرق و غرب هندوستان عده ای خود را برهمنان حسینی خطاب می کنند و بنا بر روایات و مرثیه های تاریخی، خود همچون "کبت" و "چارن" را از دوستداران اهل بیت می دانند. آنان بر شر بودن حکومت یزید و خیر بودن حکومت حسین ایمان دارند. این گروه مراسم عاشورا را درست پس از رویت هلال ماه آغاز می کنند و تا ۸ ربیع الاول با مراسم و مناسک خاصی ادامه می دهند

این پژوهش به بررسی و تحلیل علل ماندگاری فلسفه عاشورا در میان هندوان هندوستان و برهمنان حسینی می پردازد.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، f.azamlotfi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

کلیدواژه‌ها: راکهب، روایت دیر ترسا، مرثیه کبت؛ چارن

۱. مقدمه

تاکنون درباره تصنیف کربلا چه بسیار عالمان و عاشقان اهل بیت در جای جای این کهن خاکی خامه فرسایی که نکرده اند و چه بسیار که با فرهنگ عاشورا زیسته و رشد کرده و برای آن جان باخته اند. به قول صائب تبریزی یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت / در بند آن مباحث که مضمون نمانده است دوستداران و شیعیان امام حسین علیه السلام از آغاز تولدکام نوزاد را با آب فرات و تربت سید الشهداء متبرک می کنند و هنگام رخت بر بستن از دنیا ی دون تربت کربلارا همراه مرده می گذارند و از فاصله ولادت تا مرگ این عشق مقدس را با شیر وارد جان می شود و با جان بدر می رود اما جاودانه می ماند عشق به اهل بیت و سالار شهیدان زمان و مکان و مرز نمی شناسد و گاهی آنقدر این عشق ریشه می دواند که حتی به قلب و روح و روان و ادب غیر مسلمانان برهمنان حسینی در هندوستان نیز رسوخ می کند. برهمنان حسینی از نادر افراد غیر مسلمان و از بالاترین طبقه اجتماعی بر اساس سیستم طبقاتی هندوستان هستند که والهانه به واقعه کربلا و به سالار شهیدان حضرت امام حسین وفادار ماندند در این پژوهش بررسی و تحلیل و نفوذ تشیع در میان هندوان و ارادت برهمنان حسینی به تفضیل پرداخته خواهد شد.

منشا و مبدا برگزاری عزاداری توسط هندوان به عصر دولت های شیعی در جنوب هند باز میگردد. (موسوی، رشید، ص ۵۱) برخی از هندوان به ویژه مراتها اهل هند متعصب نیز عزاداری را به سبک و سیاق خود انجام می داده اند گاهی همچون روایت فرهنگی خاص خود به سوی علم عزاداری شمع و عود و گل های مقدس نثار می کردند و در پایان مراسم نیز لوازمات عزاداری را به شیوه مذهبی خود به رود خانه های مقدس تقدیم می کردند گفته می شود اگر چه اکثر مراسم مذهبی هندوان با ساز آواز و گاهی رقص در مقابل الهه های خود است اما در این روز کاملاً به رنگ ماتم و عزا برگزار می شده و چنانچه اکنون نیز این گونه رعایت می شود. در تقویم تاریخ در سال ۱۸۰۹ میلادی روز محرم با بزرگترین جشن شادی و سرور هندوستان هولی هم زمان و تلافی می شود اما این روز به حرمت سالار شهیدان و به پاس ارادت خاص به سادگی برگزار شده بود

تأثیر شیعیان علوی بر مرثیه "کبت" در میان طبقات ممتاز هندوان ... ۳

عبد اللطیف شوشتری سفر نامه نویسنده ایرانی مشاهدات خود را در کتاب "تحفه العالم و ذیل التحفه" که پس از بازگشت از سفر هند در سال ۱۲۱۶ هجری به نگارش در آورده است، درباره عزاداری هندوان در شهر ویجی و نگر می نویسد ::

عجیب است که در آن شهر با این حالات که بویی از مسلمانی و بانگ محمدی نیست، اعظم و متمولین هنوز تعزیه خانه های عالی به تکلف دارند. بعد از دیدن هلال ماه عزا، همگی رخت سوگواری پوشند و ترک لذات کنند و بسیاری اند که بالمره از طعام و شراب، کف نفس نمایند که در تمام عشره چیزی از گلوی ایشان به زیر نرود. شبها و روزها به زبان هندی و فارسی مرثیه خوانی و سینه زنی کنند و هر کس به قدر وسع در اطعام فقرا و مساکین کوشد و در هر کوچه و بازار آب های گلابی سیل کنند. و شبیه به ضرایح مقدسه از چوب یا کاغذ سازند و نزد آن به سجده روند و برخاک غلطند و طلب مطالب نمایند. و بعد از انقضای ایام عاشورا آن ها را در رود خانه غرق کنند یا در جایی دفن کنند و آن را کربلا گویند (شوشتری، میر عبد اللطیف خان، ص، ۳۵۹)

گفتنی است که این گونه آیین عزاداری در میان هندوان به خصوص برهمنان حسینی تا عصر حاضر به همین منوال برگزار می شود. حتی در بنارس که به کعبه هندوان و شهر الهه شنکر یا همان شیوجی معروف است و کمتر از ۲۰۰۰۰۰ مسلمان در این منطقه یافت می شود هر ساله با گروه اهل هنود و مسلمانان در کنار درگاه فاطمین که مقبره حزین لاهیجی شاعر پر آوازه ایرانی قرن دوازدهم سبک هندی است، عاشورا با مراسم و مناسک خاصی انجام می شود. حزین لاهیجی مدت ۴۰ سال در شهر معابد و کعبه هندوان در بنارس سکنی گزید. وی در باره بنارس می گوید:

از بنارس نروم معبد عام است اینجا

هر برهمن پسر لچهمن و رام است اینجا

حزین "درگاه فاطمین" را به پاس آموختن زبان فارسی به پسر پادشاه وقت "راجا بلونت رای" که شاهزاده "چیت سینک" نام داشت به عنوان انعام از دربار شاه درگاه فاطمین یا همان مقبره حزین را دریافت نموده بود.

از آن زمان، تا کنون "درگاه فاطمین" مرکز برگزاری مراسم عاشورا و برپایی بیش از ۳۰۰۰ دسته های عزاداری آیین های عاشورایی در میان مسلمانان و دوستداران اهل بیت غیر

مسلمان (هندو) طبقات ممتاز هندوان که "برهمنان حسینی" در هندوستان می باشد (دهرمیندر نات ۲۷۳، ۱۳۹۲)،

عقاید و آداب برهمنان و تشریح براهمن، Brahman، برهمن، Brahmin، براهمنه ها، Brahma، براهما، Brahman،

براهمن: این کلمه در اصل یعنی حقیقت یا قدرت آفرینشگر، که در بطن سروده های ودایی و بعد ها در مراسم قربانی ای که با این سرودها می خواندند وجود داشته است، در زمان اوپانیشادهای ابتدایی، این کلمه را برای نشان دادن حقیقت بی طرف کیهانی یا همان حقیقت محض به کار می بردند.

برهمن: متخصص آیین مربوط به براهمن. کسی که سروده های ودایی را از بر است و هدایت کننده مراسم قربانی است. طبقه روحانی البته برهمن را براهمن و براهمنه هم گفته اند. یکی از چهار ذات هندو. یا اولین طبقه از طبقات هندو هر برهمنی ناچار نیست که حتما در سلک روحانیون در آید ولی هر روحانی ضرورت دارد جزو این طبقه باشد. این طبقه سرور و یا ریس کلیه مخلوقات است و از هر تعرضی مصون و مستحق همه گونه احترام می باشد.

براهمنه ها: متونی مربوط به براهمن است که در آن نحوه انجام قربانی های ودایی توضیح داده شده است.

برهما: خدایی هندو، مرتبط با آفرینش. برهما به صورت شخص خالق و اولین خدایان سه گانه، برهما ظاهرا هیچوقت مورد پرستش همگان نبوده، هر چند در هندوستان هنوز دو معبد به نام اوست. در همه جا حاضر و بر همه مسلط و بی نهایت و در همه اشیا از جاندار و بی جان، از بالاترین خدا گرفته تا پست ترین موجودات موجود است. این روح اعلی هیچگونه پرستش نمی خواهد و گاهی به نام کلا هنس "kala-Hans" خوانده می شود. دارا شکوه فرزند شاهجهان در کتاب سر اکبر و یا همان اوپانیشاد برهما را به جبریل تعبیر کرده است (جلالی نایینی، محمد رضا، ص ۵۰۷)

یکی از مستندات نظام طبقاتی در کتاب مقدس ریگ ودا در بخش ۱۰، آیت ۹۰ آمده است "از سر پورشه (انسان)" برهمن"، از بازوانش "کشریه" (طبقه جنگاوران یا نظامیان)، از پاهایش "وشایا" (طبقه پیشه وران یا بازاریان و از کف پایش "شودره" طبقه خدمتکاران یا کارگران)،. به وجود آمدند. در کتاب منو سمرتی یا همان فقه هندوئیزم بخش ۱ آیت ۹۳ (نیز آمده است:

تأثیر شیعیان علوی بر مرثیه "کبت" در میان طبقات ممتاز هندوان ... ۵

چون برهمن ، نخستین انسان است و از آنجاییکه دارنده وداهاست پس حق اوست که ارباب جهان باشد

در هندوستان سرزمین هفتادو دوملت برهمنان به عنوان متولیان دین و مجتهدان دینی ، برترین طبقه و دارای بالاترین امتیازات اجتماعی اند در بخش ۱ آیت ۱۰۰ منو سمرتی " گفته شده :

هر چه در این جهان است ملک برهمن است و برهمن به دلیل اصالت ذاتی که دارد شایسته داشتن این همه است برهمنان ، برگزیدگان و واسطه فیض خدا بر خلق اند و هیچ گناهی در روی زمین بد تر از کشتن یک برهمن نیست (منو سمرتی بخش ۸، آیت ۳۸۰)

۲. برهمنان حسینی و سیر طبقات اجتماعی آنان

یکی از طبقات ضمنی برهمنان ، موهیال نام دارد که پیوند نسلی خود را به شش عالم بزرگ نسبت می دهند

از " بهاردواج " دت و وید

لاز " : بهارگو " چهبرلاز " پراشر " : بالی

از " کشیپ " : موهان یا موهن

از " وششت " : لاو

و از " کوشیل " : بهیم وال "

بنابراین از طبقه اعلی برهمن موهیال ۷ طبقه ضمنی " : دت " " وید " " چهبر " " بالی " . "موهان " " لاو " " بهیم وال " به وجود آمده است.

سر دینزل ایبستون مورخ غربی در کتاب Glossary of Tribes and Castes of the Panjab and North Western Provinces به ذکر برهمنانی پرداخته است تحت عنوان برهمنان حسینی این طبقه از برهمنان به طور استثنا جنگجو و شجاع هستند و برخی به کار زراعت نیز مشغولند بنا بر مستندات کتب هندی و اردو هندوستان اکنون به روایاتی از این گروه و ارتباط آن با واقعه کربلا می پردازیم .
روایت نخست ::

گفته می شود پس از حماسه بزرگ رزمی مها بهارت فرزند آچاریه که اشوا تهما نام داشت از هندوستان به سوی عراق مهاجرت می کند . در کنار و نزدیکی بصره بندر بین

المللی که "الحرا" نام داشت بسیاری از هندوان هندوستان قبل از ورود اسلام به قصد تجارت در این منطقه سکنی می‌گزینند..(نات، دهرمندر، ۱۳۹۲:۳۷۸)

روایت دوم:

آمده است از میان طبقات ضمنی برهمنان طبقه دت "به همراه مختار قاسم ثقفی به منظور انتقام گرفتن خون امام حسین علیه السلام در جنگ شرکت می‌جویند و به شهادت می‌رسند. به این گروه برهمنان حسینی می‌گویند(همان).

روایت سوم:

برخی از مورخین بر این باورند هنگامی که اسکندر مقدونی زمان بازگشت از هندوستان، عالمان و کاهنان برهمنی را با خود به یونان می‌برده است در مسیر راه از دنیا می‌رود. بنابراین برهمنان هند به جای عزیمت به یونان به عراق بازگشته و در آنجا اقامت می‌گزینند. از بزرگان این برهمنان شخصیتی به نام رکهب راو که در تاریخ عرب رجب نامیده می‌شود: و در زبان عربی رجب به معنای شکبیا و پرتوان و مرد دست و دل‌باز تعبیر شده است و به میر سدهانی "نیز معروف است از دعای خیر حضرت امیر المومنین علیه السلام صاحب هفت اولاد ذکور می‌شود که بین مورخین اسلامی نام آنان مختلف است برخی نام آنان را:

سپورا، پرجس را، را، پون، شیرا، رام سنگه، گهرا، دپداو

سپس، پرجس را، شیرکهان، رام سنگه، را، پون، دپداو، گهرا

سپس را، پرجس را، شیرا، رام سنگه، گهرا، پورن، دپواو

و در برخی از مرثیه‌های اهل هنود که به چارن معروف است نام هفت شهید برهمنان حسینی این گونه آمده است:

ند، جی، سپس را، پریش را، شیرا، پونیه، ودهارو.

گفته می‌شود برهمنان "دت" یا همان برهمنان حسینی هنگام بازگشت از عربستان به هندوستان به همراه خود "حسین پوتھی" که در زبان سنسکریت و هندی به نام "کتاب حسین" نام دارد و مملو از وقایع این طبقه در مرثیه برهمنان حسینی است با خود همراه داشته‌اند که اکنون اثری از آن یافت نمی‌شود(همان: ۳۸۳).

روایت چهارم:

بنا بر این روایت رکهب رای کاهن معبدی بود که از دعای خیر حضرت علی علیه السلام صاحب هفت اولاد ذکور می‌شود. هنگامی که لشکر یزیدیان در حالیکه سرهای

مبارک اهل بیت را نیزه کرده بودند ، هنگام بازگشت از جنگ لشکریان در نزدیکی معبد رکهب به استراحت می پردازند رکهب به فرزندان خود خطاب کرده و می گوید: از دعای خیر پدر این شخص بزرگ شما متولد شدید اکنون وی و خاندان وی سر بر نیزه مقابل شما توسط لشکریان یزید قرار گرفته اند. پس از این گفتگو پسران پس از دیدن این صحنه به لشکریان یزید حمله می کنند و در این راه به شهادت می رسند همان؛ ۳۷۷).

روایت چهارم:

گفته می شود هنگامی "رکهب راو" از هندوستان به عربستان رسید از مردم آن روزگار پرسید: عالی مقام و برترین شخصیت این منطقه کیست: مردم گفتند: "امام حسین علیه السلام" پس از دریافت نام و مقام او خود را به کربلا رساند و برای حضرت و خاندان اهل بیت فرزندانش را فدا کرد .

اما این روایت مورد تایید تاریخ نگاران هندی نمی باشد چرا که برهمنان جنگجوی دت قبل از رسیدن به عراق در نزدیکی بندر الحرا ساکن بوده اند.

برخی از مورخین اسلامی بر این باورند که برخی از برهمنان دت در جنگی در رکاب حضرت امیر المومنین علی علیه السلام بودند. (ندوی ، سلیمان ، ۱۹۶۷: ۶۰)

روایت پنجم :

در روایت دیگری آمده است پادشاه ایران یزدگرد سوم سه دختر داشت با نامهای "مهر بانو" در سرزمین هند با خاندان شاهی گپت با شاهزاده "سمرات چندر گپت" ازدواج کرد . شهر بانو به عقد امام حسین در آمد و " کیسر بانو" به عقد محمد ابن ابی بکر در آمد . بنا براین وصلت در روایت آمده است امام حسین به خاندان سلطنتی مهاراجا چندر گپت نامه ای فرستاد و وی را از ظلم و ستم های لشکر یزید آگاه ساخت و تقاضای کمک کرد آنگاه برهمنان حسینی یا همان هفت فرزند کاهن برهمن رکهب رای " به همراه دیگر لشکریان و جنگجویان دت در کنار امام به شهادت رسیدند(قمر الدین ، ۱۹۸۶: ۲۳).

گفته می شود هم اکنون این نامه محفوظ در ایالت راجهستان در شهر اودهی پور در موزه خاندان سلطنتی نگه داری می شود اما رویت این نامه در شرایط خاص و برای افراد خاص ممکن می باشد (باقری، سیده صافیه بانو ، ۲۰۰۳: ۱۱۱)

پس از دریافت این نامه " راجا چندر گپت" لشکری به سر کردگی سپه سالار " بهوریا دت" برای یاری رساندن به امام حسین علیه السلام می فرستد در این جنگ برهمنان حسینی از خاندان دت شرکت می کنند.. جنگجویان و لشکریان به کمک مختار تقفی کوفه

را تحت تصرف خود در آورده و از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام می گیرند. پس از آن گروهی به هندوستان باز می گردند و عده ای در همان عراق سکنی می گزینند.

روایت ششم:

گفته می شود "چندر گپت" به رهبری و سرکردگی سالار جنگ "بهوریا دت" ۵۰۰ لشکر مجهز را فرستاد. هنگامی که این لشکر به کوفه رسید امام حسین علیه السلام به درجه رفیع شهادت نایل آمده بودند و مختار ثقفی در صدد گرفتن انتقام خون ایشان بود به همین دلیل این لشکر به همراه هفت برهمن یاد شده به کمک مختار آمده و علیه قاتلان امام حسین علیه السلام می جنگند و پس از آن برخی به هندوستان باز می گردند (همان: ۱۱۳).

Dair-al-Hindiy/Al Hindiya= indian Quarter:

یا:

دیر ترسا.--دیر راهب

نام محلی در سرزمین شام، که اسیران اهل بیت از آن گذشتند. در این سفر، که اسرا به همراه نیروهای یزیدی به شام برده می شدند، سرهای شهدا نیز همراه قافله بود. در یکی از منزلگاههای راه، به محلی رسیدند به نام "قنسرین" که راهبی در دیری به عبادت مشغول بود. نگاه راهب از صومعه به سر مطهر امام حسین علیه السلام افتاد که نور از آن به آسمان می رفت با دیدن این صحنه، ده هزار درهم به نگهبانان سر داد و آن سر را آن شب نزد خود در صومعه نگه داشت. شب هنگام، راهب از سر آن مقدس، شگفتیها و کراماتی دید و به برکت آنها مسلمان شد. (مناقب، ج، ۴، ص، ۶۰ بحار الانوار، ج، ۴۵، ص، ۱۷۲، احقاق الحق، ج، ۱۱، ص، ۴۹۸، اثبات الهداه، ج، ۵، ص، ۱۹۳)

به گفته نیر تبریزی

دیر ترسا و سر سبط رسول مدنی /وای اگر طعنه به قرآن زند انجیل و زبور/

این دیر، هم اکنون در منطقه راه سوریه به لبنان موجود است و بر یک بلندای مشرف به جاده قرار دارد (محدثی، جواد، صص ۱۹۲-۱۹۳).

در روایت مشهور دیگری این بار در میان قزلباشان از دزدیده شدن سر امام حسین علیه السلام توسط یک کشیش ارمنی یاد می شود. ترکها هنگامی که از این ماجرا خبر دار شدند، برای باز پس گرفتن سر امام حسین علیه السلام به خانه آقا "مرتضی" کشیش رفتند. او نیز سر هفت پسرش را یکی پس از دیگری به جای سر امام حسین علیه السلام به آنها تقدیم کرده و سر آن حضرت را در ظرفی زرین و پیچیده در پارچه حریر در مکانی پاک و

ایمن، پنهان داشت. روزی دختر کشیش برای یافتن غسل به آن ظرف نزدیک شده و تا خواست آن را باز کند پدر از راه رسید و او را منع کرد. آقا "مرتضی" کشیش دیگر چشم از آن ظرف بر نمی داشت و همواره مراقب آن بود تا آن که روزی مشاهده کرد شعله ای از درون ظرف به آسمان برخاست و ناگاه کودکی در آن محل ظاهر شد. این کودک، امام بکر فرزند امام حسین علیه السلام بود که در آن لحظه چشم به جهان گشوده بود. ترکها از این واقعه خبر دار شدند و برای کشتن آن کودک به جستجویش پرداختند. همسر کشیش تا سربازان ترک را بر در خانه اش دید آن نوزاد را به سرعت در ظرفی مسین قرار داده و روی ظرف را با پارچه هایی سفید پوشانید. آن ظرف مس بر آتش سوزان نهاده شده بود، اما هیچ آسیبی به کودک وارد نشده و حتی هنگامی که سربازان از ماجرا خبر دار شده و در درون ظرف را جستجو کردند کودک را در آن نیافتند. از آن روز این کودک در زبان ترکی به نام "بکر" به معنای مس مشهور شد (حیدری، ابراهیم، ص، ۱۵۲)

دو روایت آخر با روایت هندی در نگه داری سر مقدس سالار شهیدان در مکان مقدس توسط کاهن معبد، یا کشیش، راهب، دیر ترسا، مشترک است.

روایت گران تاریخ هند بر این باورند که برهمنان حسینی پس از شرکت جستن در جنگ و گرفتن انتقام خون از لشکر یزیدیان برخی به سند، پنجاب، سیالکوت، گرداسپور، راجهستان، پوشکر، الله آباد و بنارس رفته و در آنجا سکنی گزیدند.

امروزه از نسل برهمنان حسینی ۲۵۰ خانوار در این شهرها و به خصوص در ایالت بمبئی زندگی می کنند و معتقدند به برکت شرکت جستن در جنگ و شهادت در رکاب دوستداران و یاران امام حسین علیه السلام تا کنون نسل آنها پا برجا مانده است.

برهمنان حسینی همچون دیگر برهمنان هند به اصول و عقاید دین هندوی پایبند می باشند اما در طول سال در ده روز ماه محرم با پوشیدن لباس سیاه و روزه گرفتن و عزاداری مشغول می شوند. جالب توجه اینجاست که این دسته از دوستداران اهل بیت هنود، در ایام محرم از هر گونه حرکت و فکری که به خوشی و شمع روح و روان منجر شود خودداری می کنند. اگرچه رنگ سیاه در میان اهل هنود به هیچ عنوان مورد پسند نیست و مکروه است اما در این ایام به نشانه ماتم از پوشیدن آن دریغ نمی کنند و زنان با پوشیدن ساری سیاه، لباس خاص و استفاده نکردن از هرگونه لوازم تزئینی و آرایشی به استقبال مراسم سوگ و ماتم می روند. پودر مقدس سیندور که بر فرق هر زن متاهل هندوست و برا

ساس اعتقادات خاص تنها با مرگ همسر می بایست از فرق سر پاک شود نیز در این ایام توسط زنان برہمن حسینی بہ احترام خاندان اہل بیت از روی فرق سر پاک می شود۔
 برہمنان حسینی در ایام دہ روز محرم مرثیہ خاصی دارند کہ تمام شش روایت تاریخی از منظر تاریخ نگاران ہندی را روایت میکند چارن اصطلاح ہندی است کہ بہ معنای خوانندہ ای است بہ تعریف خاندانی با موسیقی خاص می پردازد و کبت یا کوت نیز در زبان ہندی بہ شعر و شاعری اطلاق می شود و کیتا یا کوتا بہ معنای شعر - نظم - قطعہ است ۔

برہمنان حسینی کبت را با آواز سوز ناک و آہنگ حزن آمیزی در مراسم محرم کہ بہ نوعی مرثیہ است می خوانند و آن روز را با تمام وجود یاد می کنند و بہ درگاہ شہیدان نسل خود رحمت می فرستند

سدر جھوجھا کے وٹش میں دت نام سلطان
 سدر یوگ جو بیرجی عرب کیواستھان
 عرب کیواستھان میر سدهانی بولیو
 پنج پروہت بختے برہم آدی جانکا دہیو
 بہار دواج جورشی جن کی یہاں سنتان
 سردیجیئے نام حسین کے عرب کیواستھان
 سدھودت کے نند جی ساہس رائے پرمان
 ہرس رائے جودت راکھین ٹیک میدان
 رائے پن پینہ آتمی کرین دیش جودہیان
 مدد کی حسین دی قدم پیچھے نہ پاوئیں
 لڑیودت دل کھیت جی تین لوک شاکاڑہیو
 چڑھیودت دل گا جی گرہ کوفہ جالڑیو
 بیجے بہیر کوپوٹ فتح میدان جو پائی
 بدلہ لیا حسین دہنیہ دہنیہ کرے لوکائی
 راحب کی جوجد نسل حسین جو آئی
 دیئے سات فرزند بھئی فرزند بھی قبول کمائی
 جو حسین کی جد ہے دت نام سب دھیائیو

عرب شهر کے بیچ راحب تخت بٹھائیو

(نأت، دهرمیندر، ص. ۳۸،

ترجمہ مرثیہ " کبت"، "چارن" برہمنان حسینی:

سودہ یوگ از نسل خاندان جھوجھا جی یکی سرداران جنگجوی شجاع برہمن پس از اقامت در سر زمین عرب به عنوان سلطان عرب سکونت می‌گزیند و به میر سدهانی لقب کاهن محراب و معبد هندوان نایل می‌شود بنا بر در خواستو دعای خیر برہم آدی پنج تن از روحانیون را در زمرہ یاران شفیق خود مقرر کرد. وی که از خاندان بهاردواج بود و در زمرہ برہمان حسنی به شمار می‌رفت برای گرفتن انتقام سر مبارک امام حسین و خاندان ایشان رهسپار عربستان می‌شود. او در میدان جنگ در برابر یزیدیان بزدل همچون شیر شجاع بود. این سالار و سپہسالار شجاع جنگ هرگز از امداد و یاری رساندان به خاندان حسین پشت نکرد و از سینه نیزہ خورد. او در ابتدا به تنهایی با شجاعت در میدان جنگ جنگید. دت دل غازی به تنهایی در این جنگ در کنار میر سدهانی قلعه کوفہ را محاصره کرد. و در میدان جنگ پیروز شد او که در جنگ فریاد می‌زد سپاس سپاس خدایا شکرت: اکنون انتقام خون حسین را گرفتم راحب هفت اولاد ذکور خود را برای امام حسین و اهل بیت ایشان فدا کردند و در این راه به شہادت رسیدند. پس از این فداکاری خاندان دت هرگز خاندان حسینی را فراموش نخواهند کرد او پس از پایان جنگ و گرفتن انتقام خون حسین بر مسند حکومت نشست و بندر بین المللی الحرا منطقه سکونت هندوان برہمن و یا همان برہمنان حسینی را ترک گفت و روم، شام، غزنی، بلخ، بخارا، قندھار را فتح کرد و از آنجا به سند رسید و در آخر پنجاب را تحت سلطه خود در آورد و این گونه برہمنان و دوستداران اهل بیت غیر مسلمان اهل ہنود در جای جای مناطق یاد شده یاد آنان را گرامی داشتند.

۳. نتیجه گیری

به هر تقدیر امام حسین علیہ السلام مرکز وجود عالم، حقیقت واجد و باطن موجود، شخص سوم مجسم معرفت، نور حضرت کردگار، سر اتم الہی، دارای کمال اعظم غیر متناهی، مرکز دایرہ ازل و ابد متشخص به الف احد آغاز، کتاب ناسوت شہادت، والی ولایت ملکوت سیادت، مظهر مطلق ذات و مات مرتبه احدیت، حقیقت کلیہ موجود بہر کثرت، صدر نشین محفل احدیت، کھف امامت، صاحب علامت، نگہبان دین، وارث

مختصات، حضرت سید المرسلین، بالا تر از رفعت افلاک و بیرون از عالم زمان و خارج از فضای مکان، چشم بینای حقیقت هستی را انسان، لغز و معمای عالم ایجاد، حاصل مضمون نشاء ابداع، ذوق بخشنده ادواق، به شوق آورنده اشواق، مطلب احباب، مقصد عشاق، منزله از هرگونه نقص و شین حسین بن علی علیه السلام "حماسه کربلا را واقعیتی اسطوره ای و اسطوره ای واقعی ساخت اری این واقعه در سرزمین اساطیر، سرزمین هند همچون دیگر اساطیر در میان بالاترین و خاص ترین سیستم طبقاتی برهمنان حسینی زنده و ماندگار است جایی بس شگرف است که در کنار پایداری به شعائر مذهبی برهمنان یا علی ادرکنی یا حسین مرده باد یزید و زنده باد حسین را پس از پایان مراسم خاص در معبد خانگی تکرار می کنند کوچکترها که لفظی از عربی نمی دانند نیز همراه بزرگان خود در معبد خانگی زمزمه می کنند نویسنده به وضوح مشاهده می کند که بزرگان برهمنان حسینی براین باورند که حتی به سگ نیز یزید خطاب نکنید چرا که منحوس ترین و منفورترین واژگان در مقابل ظلم های آشکار و پنهان این ملعون بسیار سبک و کم وزن می باشند در یکی از مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام یکی از شاعران اهل هند برهمن حسینی شعری این گونه سرود:

شاه نے تعمیر کی ہے کربلا سب کے لیے / جس طرح سے دھوپ پانی ہوا سب کے لیے

یعنی همانگونه که آفتاب و آب و هوا متعلق به همه انسانهای روی زمین است و حق طبیعی هر فرد است

شاه عرب حضرت امام حسین علیه السلام و کربلا نیز حق طبیعی دوستداران اهل حسینی است

و در جایی دیگر می گوید:

ہر عبادت گاہ ہے سو جاتی ہیں اپنے وقت سے

جاگتی رہتی ہیں کربلا سب کے لیے

یعنی عبادت در هر عبادتگاهی چه در مسجد چه در معبد در زمان خاصی شروع و پایان می پذیرد اما کربلا تنها عبادتی است که بی وقفه به زمان و مکان مرز محدود نمی شود. کربلا عبادتگاه و عبادت شب زنده داران و دوستداران اهل بیت جاودان است.

تأثیر شیعان علوی بر مرثیہ " کبت " در میان طبقات ممتاز ہندوان ... ۱۳

کتاب نامہ

محمد زادہ، مرضیہ، ۱۳۸۸ "حسین بن علی علیہ السلام امام شہدا ادبیات عاشورایی " تہران، مجتمع
فرہنگی عاشورا:۔

حیدری ابراہیم، ۱۳۸۰ "تراژدی کربلا مطالعہ جامعہ شناختی گفتمان شیعہ " قم، مترجمان_علی
معموری، محمد جواد معموری (موسسہ دار الکتاب الاسلامی .

محدثی، جواد، ۱۳۸۵ "فرہنگ عاشورا " قم ۲۰ متری مصلاقی قدس شمارہ ۶۸۲
شوشتری، میر عبد اللطیف خان، ۱۲۴۱ ہجری "تخفہ العالم و ذیل التحفہ حیدر آباد ہندوستان . "، نشر
طبع

اعظم لطفی، فرزانه، ۱۳۹۳ "منتخب نغمہ خداوندی گیتا " قم، نشر مجمع ذخائر اسلامی

جلالی نایینی، ۱۳۸۱، اوپانیشاد (سر اکبر)، تہران، انتشارات علمی

باقری، سیدہ صافیہ، بانو ۲۰۰۳ امام حسین سے ہندووں اور ان کے دیوتاؤں کا تعلق 'لکھنؤ، متعلم شیعہ انٹر کالج مضمولہ ماہنامہ
اصلاح، محرم نمبر۔

نات، دھر میندر، ۲۰۱۳ "عزاداری حضرت امام حسین علیہ السلام ایک آفاق تحریک " نئی دہلی—ہندوستان الہدی انٹرنیشنل
پبلشرز اینڈ ڈسٹریبیوٹرز،

موسوی، رشید، "دکن میں مرثیہ اور عزاداری"، ۱۹۸۹، نئی دہلی، مترق اردو بیورو

Nath.Dharmendra."Azadadari-E-Hazrat Imam Hussain (A.S)Ek Afaqi Tahreek 2013 al hoda
new Delhi India

Nadeem .Inamdar.RizwanKhan 22 January 2016The "Brahmins who went to war for the Imam".
Times group, India. Times of India.

Akram, Maria). 5 November 2014"For Hussaini brahmans, it's Muharram as usual. Retrieved (".
Times group, India. The Times of India.

Zeba T Hashmi (March 17, 2015). "Ashura and pluralism". Daily Times, Pakistan. Retrieved.

Abul Fazl (November 5, 2014). "The Brahmins Who Fought For Imam Hussain At Karbala".
Kashmir Observer Online

Sheik, Majid (26 November 2012). "Karbala and how Lahore was involved". Dawn. Dawn
News Paper, Lahore. Mitra, Sisir Kumar. (First Print 1949).The Vision of Inida. Bombay,
India: Jaico Publishing House.

"Hussaini Brahmans: 9 August 2013 A historic bondage between Hindus and Shias". News
Bharati English). "Brahmins Fought for Imam Hussain in the Battle of Karbala". Hindu.

Holester.JohnNorman1988Islam ND Shia Faith in india New Delhi .

Ibbodton,SirDenzel and H,Rose"date?AGlossary of Tribes andCastes of the panjab and North
Westen provinces.

Malik, Yasin,(1605-1748)" Asocial History of Muslims in india" Lucknow.

۱۴ پژوهشنامه علوی، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

Broughton, Thomas Duer, 1813, "Letter Written A Mahratta Camp during the year 1809,
"Archibald Constable and Company ,14 Prliment Street S-W, London, Joh Murry, .